

پیکره های

زمان اسکانیان

در کرمانشاه

بقلم

سرشکر مظفر زنگنه

نژاد آریائی که از آغاز
پیدایش بشر در روی زمین
فلات ایران را برای زندگی
برک-زیده و پیرو راستی و
فرهنگ آئین بهی بوده و پایه-
گذار علم و دانش در دنیا و
مربی و پدیدآورنده فرزاندگی
و نشان دهنده راه حقیقت و راستی
و منیت و مردانگی است و برای
عبرت آیندگان و اعجاب
بیسگانگان آثار و پیکره هائی
از خود بیادگار گذارده که
دست روزگار و سوانح بی شمار
زمان تا کنون نتوانسته خلمی
بر آن وارد آورد علت رادرنبوغ
ذاتی و تمدن پیشرفته این نژاد و الا
میتوان جستجو کرد. زردشت او را
هومان ، فارابی و مسکویه هستی

برتر یعنی فرشته و نیچه آلمانی Nietzsche ابر مرد و علماء اروپائی مرد قوی نامیده و پایه گزار تمدن و فرهنگ این زمان میدانند ولی متاسفانه پاره‌ای از تاریخ دانان روی عدم دقت و بررسی و کوته فکریان برای سهم شدن در این ارثیه بی نظیر وعده‌ای از راه سیاست یا اختلاف دینی برای محو آثار و یاحک و قلب یا کم کردن قدمت تاریخی آن کوشش بسزائی نموده و حتی کار را بجائی رساندند که هم نژادهای ما هم گفتارها و نوشته‌های آنان را بدون دقت و بررسی آیه منزل دانسته و سعی در گمراهی و تباهی تاریخ حقیقی این مرز و بوم نموده‌اند. هم نژادان عزیز آریائی باید بدانند که شناسنامه هر ملتی تاریخ آنست و نباید کسانی که ملت ایران را با شناسنامه جعلی برجھانیان نشان میدهند ببخشایند. حال به بررسی پیکره‌های طاق بستان که از آثار ارزنده دوره اشکانی و ساسانی است میپردازیم و حقیقت را آنچنانکه هست نشان میدهیم.

در دامنه کوهستان ژرف شمال شرقی کرمانشاه بنام پرو که از دامنه‌های آن چشمه‌هایی چند بطرف رودخانه قره سو جاری است، آثار دو طاق بزرگ و کوچک و پیکره‌ای از مهر در شرق آنان و دریاچه‌ای زیبا و بیشه‌زارهایی سرسبز و خرم در جلو و خیابانی شمالی جنوبی آنرا به میدان پهلوی که پیکره شاهنشاه بزرگ رضاشاه کبیر زیب مرکز آنست متصل میگردد.

وضع طبیعی این ناحیه که در امتداد پرستشگاه آناهیتا (ناهید) در کنگاور (کنگبار) و شه-رقدیمی دینور - شهر دینی مازاباتان که مرکز آئین مسیح در زمان ساسانیان و در نزدیک بیستون و از آثار ارزنده داریوش کبیر در کوه بیستون میباشد - در زمان گذشته پراز بیشه و مرغزار، جنگل و نیزار در نتیجه جاری شدن سه رودخانه قره سو، گاماساب، دینور و محل قصور باتلاقی شاهنشاهان ایران و شکار گاه گراز و گوزن و پرندگان آبی و ماهی بوده و آثار پیکره‌ها مؤید این نظریه است.

پیکره‌های طاق بستان شامل دو قسمت است:

۱- پیکره‌های زمان اشکانیان

۲- پیکره‌ها و آثار زمان ساسانیان

I- پیکره‌های زمان اشکانیان

- ۱- پیکره برجسته مهر واشك اول (ارشاك)
- ۲- پیکره برجسته شكار گراز
- ۳- پیکره برجسته اسب‌سوار درطاق بزرگ
- ۴- پیکره برجسته سه‌آیندگان درطاق بزرگ

II- پیکره‌های زمان ساسانیان

- ۱- پیکره شاهپور درطاق كوچك
- ۲- پیکره برجسته شكار گوزن

۱- پیکره برجسته مهر واشك اول (ارشاك)

بر دیواره کوه بستان (پرو) نزدیک طاق كوچك پیکره چهارتن مرد نقش بسته که دارای قامتی میانه بالا هستند و سه تن ایستاده و يك تن در زیر پای دوفرد دیگر به پهلو خوابیده و دست چپش را زیر سر گذارده است . مرد سمت راست دارای افسرشاهی است که دو آویز پهن و بلند و چین‌دار بآن آویخته و يك حلقه را که دارای دو آویز پهن و بلند چین‌دار است از دست مرد میگیرد و دست چپ را بکم‌مرزده و دارای ریش و سمیل تاب‌داده است . موهای سرش پر پشت و چین چین و لباسش تا زانو و کمربندی بر روی آن بسته که در جلو و اطراف آن دو آویز چین‌دار داشته و شلواری بلند نامچ پا و چین‌دار پاچه بسته به تن دارد .

مرد دوم بارخت و قامت مرد نخستین با دست چپ دسته شمشیر و با دست راست حلقه‌ای را بمرد اولی میدهد . فرق او با مرد نخستین آنست که ریشش با بندهائی روی هم چیده و بسته شده و موهای سر را بادستاری بروی پیشانی خود که دنباله آن دارای گوئی میباشد بسته و موها را در بالای سر مانند گوئی در آورده است .

مرد سومی دارای ریش و رختش مانند سایرین و پیشانی را با دستاری که دارای دو آویز پهن و بلند و چین‌دار است بسته و ترکه‌هائی بهم بسته در

دست دارد و بر گرد سرش اشعه مهر پر تو افکن و بر روی گل نیلوفری بزرگ ایستاده است.

این سه مرد هر يك گوشواره ای بر گوش و مچ بندی بردست - چهره ها سه رخ - تن ها روبرو ، پاها نیم رخ و به اطراف باز. در زیر پای مرد اولی و دومی مردی که دست چپش زیر سرش و به پهلو افتاده و سرش زیر پای مرد اول و پایش زیر پای دومی است و موی سر را بادستار پهنی شبیه به چرم که با در و گوهر مزین است بسته و موی ریش او راست و پریچ و ساق بندی به پا و گتری بر پشت دارد . پیکره ها دارای اندازه های مناسب و ریزه کاریهای نیکو و برازنده است . بطور تحقیق مرد نخست و آل ارشک ، مرد دوم اشک بزرگ و سومین مرد مهر و - مرد افتاده انتیو کوس (انتیوخوس) دوم است زیرا اولین پادشاهی که دولت سلوکیه را بر انداخت اشک بزرگ بود و وجود مهر که پایه گذار کیش رسمی دولت اشکانی است این موضوع را ثابت میکند که بر روی گل نیلوفر که گل مورد توجه مهر - ریون است ایستاده است و این پیکره و اگذاری پادشاهی ایران از طرف اشک اول به ارشک جوان میباشد که در حضور مهر بر گزار میگردد (ایران باستان - موسی خورن)

۴- پیکره بر جسته شکار گراز

بر روی دیواره چپ طاق بزرگ پیکره شکار گاهی نقش گردیده که شکار گراز را در يك مرداب بانیزارهای انبوه نشان میدهد که مرغابی و ماهی نیز داشته و تنها يك کناره سمت راست داشته . در سمت چپ پنج ردیف فیل که بر روی هر يك دو نفر سوار شده گرازهای شکار شده را حمل میکنند . آنچه بیشتر در آن بچشم میخورد چهار کرجی و اشخاصی که سوار آن بوده که گرداگرد آنها را پیل سوار و گراز گرفته و پادشاهی در میان کرجی ایستاده و کمان کشیده بسوی دو گراز قوی تیر خورده تیر اندازی میکند و چهار نفر دیگر که دو نفر پارو میزنند و در سوی چپ کرجی دیگری است که نوازندگان در آن نشسته و در سمت راست دو گراز و کرجی دیگری است حامل نوازندگان و در طرف دیگر نیز کرجی است که شاه در میان آن کمان

بدست ایستاده و گرد سر او هاله مهر تابان است. بر گرداگرد این پیکره درختها و شاخه و برگ در سمت چپ از بالا بیابین در پنج رج هرج سه تادو تا پیل سوار هستند که مشغول رماندن گرازها از میان با تلاق و نیزار میباشند. در جلو رج بالا يك كرجی حامل کسانی است که نشسته کف میزنند و در جلو آنها گله بزرگ گراز رمان و گریزان جلو میروند و يك گراز بزرگ در میان آنها است که سر را بطرف شاه گردانیده و در حال حمله میباشد و در جلو ردیف سوم و چهارم و پنجم بیلسواران و پائین كرجی اولی گرازهای دیگری است که شتاب زده در گریزند و در جلو آنها پیل سواران گله دیگری را جمع نموده و راه بر آن بسته اند. این پیکره نیز مانند سایر نقشها با استادی و زبردستی ساخته شده و ریزه کاریهای شگرف در آن بکار رفته. موی تن گرازها آرایش شده و حجاریها با استادی طرح ریزی شده و بیننده را شیفته خود میسازد. روی لباس شاه و همراهان نقشهایی از جانوران داستانی و گل و بته نقش شده است.

۳ - پیکره برجسته اسب سوار در طاق بزرگ

این پیکره که يك پهلوی آن به دیوار سنگی چسبیده مردی است سوار بر اسب تنومندی که با جوشن بدن او پوشیده و سپری بدست چپ دارد و نیزه ای بر دوش راست. کلاهی چون کلاه سربازان امرنات هخامنشی بر سر و بر بالای کلاه او نشانه ای شبیه بعلاوه (+) نگاره شده و کپه ای بر فرق سردار که آویزه هایی بکلاه بسته شده و از لبه کلاه آویزان و در دو رشته بر پیشانی آویخته شده و چهره او از جوشن پوشیده و فقط چشمها پیدا است و بر گرد سر او هاله ای بزرگ ساخته شده و کمر بندی گل میخدار بکمر بسته و کمر بند دیگری نیز که تیردانی بآن بسته شده بر کمر دارد. روی دامنش تسای بالای زانو نگاره هایی شبیه به آنچه در رخت و لباس پادشاه در شکار گاه گراز هست ساخته شده و بر سپرش نیز چند پره مانند اشعه مهر پراکنده است. تن اسب و سرو کله اش جوشن پوش و بنظر میرسد که جوشن اسب چرمی باشد و روی آن گل میخهایی کوبیده باشند و یراق های منگوله ای بر آن آویزان گردیده. ریزه

کاریهای این سوار واسبش بی اندازه عالی و دیدنی و شگرف بوده و از سوار که براسب نشسته برزندگی و فرزاندگی و مردانگی بسیار مشهود و بطور یقین این پیکره از شاهنشاه دلاوری است که با مراجعه به گفته آتی، گودرز اشکانی میباشد.

پیکره برجسته سه آیندگان در طاق بزرگ

در طاق بزرگ بالای پیکره اسب سوار پیکره سه تن را نشان میدهد. پیکره سمت راست زنی است کوزه بدست و مرد میانه پیکره پادشاه که افسری بر سر داشته که در دوپهلوی او دو بال کوچک استوار و رخت او گوهر نشان است. در سوی چپ شاه مردی ایستاده که شلوار اشکانی بپا دارد. در باره این پیکرها خاورشناسان عقاید مختلفی دارند که یکان یکان گفته میشود.

الف - پیکره شکارگاه گراز

پیکره برجسته شکارگاه گراز با اندکی دقت زندگی پادشاهی را که در شکار گراز از جهان رفته نشان میدهد و با ملاحظه تاریخ باستانی دو پادشاه در شکار رخت از جهان بر بسته اند که یکی گودرز اشکانی در شکار گراز و دیگر بهرام گور در شکار گورخر.

پس بطور مسلم بدلائل و مدارک مشهوده پیکره شکار گراز گودرز اشکانی را نشان میدهد زیرا اگر در پیکره کامل دقت شود پادشاه از میان کرجی به دو گراز بزرگ تیر انداخته و در کار پر تاب تیر است که از میان دسته های بالا گرازهای بزرگ دیده میشود که از میان آنها بیرون آمده و بسوی تیر انداز حمله میبرد. در کرجی دیگر پادشاه کمان بدست دیده میشود و گرد سر او هاله مهر است و نوازندگان نیز در کرجی دیگر چنگ میزنند. بسودن پادشاه در کرجی دیگر داشتن هاله بر سر و چنگ زدن نوازندگان ما را باین اندیشه وامیدارد که آئین برگزاری در گذشته طبق دین مهر برگزار میشود زیرا بنا به مدارک پیدا شده در تورفان که نوشته پارسی آن در کتاب تاریخ و تقویم استاد عالیقدر بهروز مندرج است چنین میگوید:

«چون شهر یاری که زین و تن پوش نهد و رخت دیگر پوشد، بدین سان پیامبر زوش فرانهادتن پاره پاره رزمگاه و در ناوروش در آمد و رخت بغانی گرفت . با دیهیم تابان و بساک هژبر هنگامی که بغان روشن از راست و چپ میشدند و باسنج و سرودمانند برق تیز و نیازك تند بسوی بامستان صبح روشن و ماه گردون همراه بغان و روج بغانی پرید و نزد پدر اهورمزدا بماند . این نوشته و مدرك دقیق می رساند که مهریان هنگام مرگ بزرگان جنازه او را باسنج و سرود بجهان باقی میفرستادند .

در پیکره شکار گراز چنانچه دیده میشود گودرز شاهنشاه اشکانی را که در کرجی ایستاده و هاله مهر بر سر و کمان او آویخته است و کرجی های دیگر چنگ زنان پس از کشته شدن بدرقه و به آئین مهر برای باقی میفرستند بطور مسلم شکار گاه گراز در زمان اشکانیان ساخته شده و متعلق به گودرز شاهنشاه اشکانی است که در شکار گراز کشته است . حال که مسلم شد شکار گاه گراز وقایع زندگی و مرگ شاهنشاه گودرز اشکانی است پیکره برجسته اسب سوار نیز از آن گودرز است ، زیرا بنا به نوشته های مورخین اسلامی ، گودرز شاهنشاهی بزرگوار و پهلوانی نامدار و مردی با کیش و آئین بوده کما اینکه ثعالبی میگوید :

« گودرز (جوزر) همینکه زمام امور را بدست گرفت گفت ما ثروتمندیم زیرا خدا ما را کافی است . فقیریم زیرا باو نیازمندیم و او است که بما توفیق میدهد که بوی نزدیک شویم .
در باره شکار او گفته اند :

گودرز شاهنشاه اشکانی از پهلوانان و دلاوران نامی بوده که با چهارصد پلنگ قلاده زرین و پانصد قوش خاکستری و تاتاری بشکار میرفته است . از کلیه این نوشته ها پیدا است که پیکره شکار گاه گراز از گودرز اشکانی و نشاندهنده مرگ او و برگزاری آئین مهر پس از مرگش میباشد و ابداً به خسرو پرویز بستگی ندارد زیرا :

۱- بعضی از مورخین بر آنند که چون خسرو پرویز پادشاهی باشکوه و دارا بوده و در خوشگذرانی سرآمد اقران، پیکره‌ها بعلت شباهت با نقش روی سکه‌های زمان این پادشاه از آن‌ها است.

دیگری میگوید چون ساسانیان با اشکانیان اختلاف داشته‌اند ممکن نبوده آثار اشکانیان را حفظ کنند و بایستی پیکره‌ها از ساسانیان باشد. این فکرو عقیده کاملاً قابل تردید و پذیرفته نیست.

۲- چون اشکانیان نیز دارای سرشار داشته و کاملاً توانگر بودند که توانستند آنهمه لشکر کشی علیه رومیان انجام دهند.

۳- سکه‌های خسرو پرویز دارای نشانه کامل نیست که یقین حاصل شود از آن‌ها است زیرا در دنباله نام خسرو نه واژه پرویز است نه دوم که نام خسرو پرویز یا خسرو دوم را برساند و در بین پادشاهان ساسانی و اشکانی خسرو نام زیاد است و نویسندگان اسلامی نیز در نوشته‌های خود که چگونگی پوشش پادشاهان ساسانی را نگاشته‌اند در باره افسر خسرو پرویز چنین شرحی که با پیکره طاق‌بستان تطبیق کنند ننوشته‌اند.

۴- نخست این پرسش پیش می‌آید که اگر ساسانیان دشمن سرسخت اشکانیان بودند چرا پیکره مهر را که نماینده بی چون و چرای کیش اشکانیان است ویران نکرده‌اند (چون ویران نکرده‌اند پس دشمنی اشکانیان و ساسانیان درست نیست) بنابراین بطور یقین پیکره طاق‌بزرگ از اشکانیان می‌باشد.

۵- سه پیکره بالای اسب سوار در طاق بزرگ سه آیندگان آئین مهر هستند که زن نیز علامت بانوی مقدس مهر آناهیتا (ناهید) می‌باشد و حلقه‌ای که مرد اول به مرد دوم می‌دهد حلقه بیعت است که مرد میانه، سومی را به جانشینی پیشوای مذهبی تعیین مینماید.

۶- پیکره اسب سوار بطور یقین از گودرز اشکانی است زیرا خسرو پرویز مشهور است که اهل بزم و شکوه بوده نه اهل رزم و دلاوری و اگر بایستی از او پیکره‌ای باشد بایستی در مجلس بزم باشد نه رزم. کریستنسن Cristensene نیز این سخن را تأیید کرده و میگوید با وجود این جای

تردید است که خسرو پرویز از لحاظ شجاعت شایسته چنین ستایشی باشد . زیرا خسرو پرویز در مصاف با وهرام چوبین این هنر خود را نتوانست به ثبوت رساند و در سلطنتش هیچوقت خود را به خطر نیانداخت . پس از او نیز شاهان ساسانی وقت و فرصت کافی برای بظهور رساندن چنین آثار گران بهائی بعلمت گرفتاری و ضعف و سستی دولت ساسانی نداشته و خود خسرو پرویز نیز در تمام طول سلطنت خود گرفتار زرد خورد با رومیان و مخالفین داخلی بوده است و ساختن این پیکره‌ها سال‌های زیاد و دقت بیشماری لازم دارد تا ساخته و پرداخته گردد .

پیکره های زمان ساسانیان

۱ - پیکره های طاق کوچک

میگویند در طاق کوچک پیکره ها متعلق به شاهپوردوم و پسرش شاهپور سوم میباشد و چون دارای نوشته ایست بخط پهلوی در طرفین دو پیکره که روبروی هم ایستاده و دست‌ها بر قبضه شمشیر دارند در کتیبه ها اگر دقت شود به نام شاهپور که طبری آنرا اشه پور هم نوشته بر میخوریم که یکی نام ساسانی و دیگری اشکانی که در یک صورت بهم شبیه هستند . (اشه صورت دیگری از اس - اش - اشک - ارش - ارچه - ارد - ارشاک میباشد) در هر حال چون بررسی دقیق و عمیقی لازم است که موضوع را روشن نماید لذا تا روشن شدن بایستی متن نوشته و ترجمه آنرا در نظر گرفت و طاق کوچک را از آثار ساسانی دانست (ترجمه نوشته ها در کتاب ایران باستان تألیف مشیرالدوله پیرنیا مندرج است)

۲ - پیکره برجسته شکار گاه گوزن

در طرف راست طاق بزرگ دارای کناره و متن دو برابر آنها . کناره راست از بالا به پائین سه بخش است که در هر بخش پیل سواری است و در کنار سمت چپ شیرهایی ساخته و بر پشت آنها گوزن هائی شکار شده است و در اطراف این کناره ها درختانی است و گوزن های زخمی نیز دیده میشود -

گرداگرد زمین دامپهایی برای شکار استوار کرده‌اند. در میان این شکار گاه پادشاهی باندازه بزرگتر از دیگران ساخته‌اند که بر اسب سوار و دست‌چپش بردسته شمشیر گوهر نشان و دست راست تیر کش را گرفته و کمان نیز بگردن دارد و رخت تن او از پارچه نگاره‌پرنده‌گان است که با زبردستی ساخته شده و کمر بندش دارای چرمهای کوتاه و پهن آویزان و دردنباله اسبش پیاده ای چتر بردست ایستاده که چتر را روی سرش گسخته است و پشت سر او در سه رج هر رج سه نفر که در ردیف بالا چهار زانو نشسته و هر یک کاری انجام میدهند. ردیف میانه دست بر سینه ایستاده و ردیف پائین کرنا میزنند. در جلو شاه اسب سوار کوچکتر نیزه بدست اسب میتازد. روبروی شاه در بالا کسانی در دور ردیف ایستاده‌اند. ردیف بالا نشسته چنگ مینوازند و ردیف پائین نیز کف میزنند و در برابر این دور ردیف چهار نفر ایستاده‌اند که بر چیزی مانند خیک با دهان میدمند.

در پائین بخش میانه پیکره شاه را ساخته‌اند که گله ای از گوزن‌ها را دنبال کرده و چند سوار به تاخت همراه هستند. در پائین تر از این ردیف، شاه به آرامی اسب میتازد و در پیش او گوزنی آویز بر گردن گریزان است. بخش پائین طرف راست ویران شده و ریزه کاری‌های آن معلوم نیست. پیکره در نوع ریزه کاری و تراش کاری بستگی به روش هخامنشیان دارد و فوق العاده زیبا و دیدنی است.

این پیکره نیز چون مدارك مسلمی بر ساخت آن تا کنون بدست نیامده تا روشن شدن و بدست آمدن مدارك کافی راجع به دوره آن مانند سایر پیکره‌ها بدوره ساسانیان منصوب میگردد.